

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۸۹،
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۷۳-۸۲

< x x x xx x

دکتر سیدحسین سیدی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: hosein_seyyedi@um.ac.ir

دکتر غلامرضا رئیسیان

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: raesian42@um.ac.ir

چکیده

قرآن پژوهان و مفسران مسلمان همگی در این نکته اجماع داشته‌اند که هرگونه تأویل یا تفسیر کتاب خداوند باید از واژگان آغاز گردد. واژه نه تنها ابزار تحلیل گفتمان بلکه شکل دهنده نظام اندیشگانی ما نیز است. پس واژه تنها ابزاری برای بیان عقاید ما نیست بلکه به آن‌ها نیز شکل می‌دهد. واژه در قرآن کریم از چنان استواری برخوردار است که به تنهایی می‌تواند ابزار تحلیل گفتمان قرار گیرد. این نوشتار با بررسی واژگان کلیدی چون «الله»، «ایمان» و بررسی گزینش نام در سوره‌های قرآن مثل سوره «دخان» بر آن است که نشان دهد تنها از طریق این واژگان می‌توان متن قرآنی یا متن سوره را تحلیل نمود.

کلید واژه‌ها: قرآن، واژه، گفتمان.

در آمد

از تمام تعاریف و شرح و بسط‌هایی که از گفتمان صورت گرفته است و دیدگاه‌هایی که گفتمان را در حوزه سیاست، قدرت، جامعه‌شناسی، گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی و ادبیات به کار برده‌اند. آنچه در همه این‌ها مشترک است اینکه گفتمان چه در صورت شفاهی و چه کتبی (گفتار و متن) بر واحدهایی استوار است و بنیاد آن یعنی گفتار و متن می‌تواند جمله باشد. چنان که «امیل بنونیست» زبان‌شناس معروف گفتمان را در مقابل «نظام زبان» قرار می‌دهد و می‌گوید: «جمله، این مخلوق تعریف نشده دارای تنوعات بی‌پایان، همان گفتار انسان است که در حین عمل حیات می‌یابد» (میلز، ۱۱). به همین روی تحلیل گفتمان در چارچوب زبان-شناسی عمومی و کاربردی آن است که چگونه جملات در زبان گفتاری و نوشتاری واحدهای معنادار گسترده‌ای نظیر بندها، مقالات، مصاحبه‌ها را تشکیل می‌دهند. بنابراین تحلیل گفتمانی در نهایت به موارد زیر مربوط می‌گردد:

۱- گزینش حروف تعریف، ضمایر و زمان‌ها چگونه بر ساختار گفتمان تأثیر می‌گذارد.

۲- رابطه بین پاره گفته‌ها در یک گفتمان.

۳- حرکت‌های ایجاد شده از سوی گوینده برای معرفی و ارائه عنوانی جدید و تغییر

عنوان (نوذری، ۱۹).

این از یک سو و از سوی دیگر می‌دانیم که ذات زبان پدیدارگری است. زبان «جهان» را در تمامی کلیت و جزئیتش برای ما گزارش می‌کند. زبان پدیدار می‌کند که چیزها چیستند و چگونه‌اند و نسبت‌ها و جایگاهشان چیست. علم، عقل، اخلاق، فرهنگ، هنر، جامعه همه زاده زبانند و زبان است که نه تنها آنچه را به حس ظاهر در می‌یابیم می‌نامد و در دایره هستی می‌نهد و «وجود» و «ماهیت» آن‌ها را پدیدار می‌کند؛ بلکه آنچه را که بر حس ظاهر پدیدار شدنی نیست، پدیدار می‌کند» (آشوری، ۱۱-۱۳). به همین روی زبان‌شناسان انتقادی برآن‌اند تا تحلیلی از متن پدید آورند و نشان دهند که «از دل گزینه‌های زبان‌شناختی در مقیاس کوچک، پیام‌های ویژه‌ای برای کل متن پدید می‌آید.» (میلز، ۱۸۷). در این رویکرد گزینش واژگان، فعل معلوم، فعل مجهول و... هر یک می‌توانند کلیدهایی برای فهم و تحلیل گفتمان باشند. خلاصه آنکه تمام رویکردهای موجود در تحلیل گفتمان به زبان نگاه مشابهی دارند. به عبارت دیگر «نقطه شروع رویکردهای تحلیل گفتمان همان ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پس‌اساختارگرا است، یعنی اینکه دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است.» (یورگنسن و فیلیپس، ۲۹).

تا جمله و از جمله به متن. اما در حالت دوم از عام آغاز و به سوی خاص و از کلی به سوی جزئی پایین می‌آید (مفتاح، المفاهیم معالم، ۲۳۳). آنچه که این نوشتار بر آن است، استراتژی نوع نخست است. بدین معنا که در این رویکرد واژه به مثابه ابزار تحلیل گفتمان بررسی می‌شود. البته نگارنده از این نکته غافل نیست که آنچه دلالت واژه را تعیین می‌نماید، بافت (جزئی و کلی) است. اما واژگان در قرآن کریم از موقعیتی برخوردارند که خود می‌توانند ابزار تحلیل گفتمان واقع شوند.

واژه ابزار تحلیل گفتمان

در بررسی فقه اللغوی متون که به قصد مقایسه واژگان قاموس و تغییر و تحولات واژگان در خانواده زبانی بررسی می‌شوند «هدف باز سازی تاریخچه زبان‌ها است و از طریق این تاریخچه، ارتباط زبانی آن‌ها تعیین می‌شود» (پالمر، ۳۲). در این روش که فقه اللغة تطبیقی^۱ نام دارد و تغییرات تاریخی معنا مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنچه در این حوزه مهم است اینکه واژه دارای معناست و به واسطه قانون در زمانی^۲ دچار تغییر می‌شود. سخن در باب معناداری واژه میان زبان‌شناسان، معناشناسان و فلاسفه زبان بسیار است. به عبارت دیگر تعیین معنا از مباحث عمده آن‌ها بوده است. در این میان می‌توان از «فرکه» فیلسوف زبان یاد کرد که دو عامل را در تعیین معنا دخیل می‌دانست. «از نظر وی معنای تک تک واژه‌های یک جمله (معنا شناسی واژگانی) و ساختار دستوری کلمات عامل ایجاد معنا می‌باشند» (نصری، ۴۳). در ضمن در حوزه بررسی فقه اللغه‌ای واژگان قرآن همچون دیگر متون نباید از مسئله معنای اصلی^۳ و معنای ضمنی^۴ غفلت نمود (به این مسئله خواهیم پرداخت).

واژه نه تنها ابزار تحلیل گفتمان، بلکه شکل دهنده نظام اندیشگانی ما نیز است. زبان‌شناسان برآن‌اند که جهان‌بینی ما تحت تأثیر زبان ماست و «زبان تنها وسیله ای برای بیان عقاید نیست بلکه «شکل دهنده عقاید» است؛ بدین ترتیب ما جهان را آن چنان درک می‌کنیم که زبان برای ما ترسیم می‌کند» (پالمر، ۱۰۰). زبان، مدخلی است برای جهان بینی و جهان‌نگری آدمی. چنان که «ویگوتسکی» می‌گفت: «تفکر بشر نه فقط در قالب زبان، بلکه از طریق

^۱ . comparative philology

^۲ . synchronic

^۳ . basic

^۴ . connotation

خدا و انسان در قرآن، ۱۵).

آخرین نکته درباره اهمیت واژه در تعیین و تبیین معنا این است که در فرایند گفتار برخی عناصر زبانی به کار می‌رود که آن‌ها را مؤلفه‌های گفتمان می‌گویند. در این شیوه هم به تحلیل ادوات از جمله ادوات تعریف، تنکیر و ضمائر و هم نظام فعلی، نظام اسمی، ساخت‌های نحوی و بالاخره ریتم و نظم در کلام توجه می‌شود. منظور از مؤلفه‌های گفتمان همان «حروف، واژگان، فعل‌ها، اسم‌ها و ساخت‌های صرفی و نحوی است. تمام این‌ها در شکل‌گیری گفتمان دخالت دارند. تمام این‌ها در قرآن به شیوه‌ای خاص به کار گرفته شده است که به قصد دستیابی به بهترین ساخت متن و ارسال معنا به خواننده یا شنونده و تأثیر گذاری بر اوست» (ارکون، ۱۲۵).

تحلیل نمونه‌ها

اینک برای اثبات ادعای فوق مبنی بر اینکه واژه ابزار تحلیل گفتمان است نمونه‌هایی در قرآن را تحلیل می‌کنیم که صرف نظر از تأثیر بافت و معانی ثانویه یا معانی مجازی و کنایی، خود ابزاری برای تحلیل گفتمان است. آنچه که در سنت تفسیری و قرآن پژوهی از آن به وجوه و نظایر یاد می‌شود، دانشی است که بر واژگان تکیه دارد و می‌کوشد تا روابط بین گونه‌های مختلف این واژگان را کشف نماید. یا آنچه که تحت عنوان «غریب القرآن» طرح می‌شده است، کشف رابطه بین واژگان پراکنده قرآن بوده است. این پژوهش‌ها مابعد‌ها تحول می‌یابد و نزد قرآن‌پژوهان «اصطلاح قرآنی» (حلی) و «کلمات کلیدی» (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن) نام می‌گیرد. این واژگان کلیدی با کلیت متن ارتباط شبکه‌ای دارند که با کشف معنای این واژگان می‌توان به جهان بینی قرآن پی برد. همان چیزی که در معناشناسی به آن شبکه معنایی گفته می‌شود. (همان). در این روش، گفتمان قرآن همان مجموعه گفتمان واژگان است و برای تحلیل گفتمان می‌توان دو الگو در نظر گرفت که هر دو بر شکل‌گیری گفتمان‌های جزئی واژگان مبتنی است: ۱- گفتمان واژه که در این الگو، واژگان، مرکز گفتمان قرار می‌گیرند و از طریق کشف روابط مفهومی با کلیت متن قرآن می‌توان به آن رسید. در این الگو باید به دو نکته توجه داشت: «نخست اینکه واژه دلالت تجریدی داشته باشد؛ دوم اینکه در متن قرآن بارها به کار رفته باشد» (الحاج، ۱۹۷). ۲- الگوی دوم، گفتمان حوزه معنایی است. این الگو توسط ایزوتسو در کتاب «خدا و انسان در قرآن» به کار گرفته شده است. ایزوتسو به

(همان، ۳۲۳).

مسئله پیرامنی را که ژنت مطرح کرده است می‌توان در گزینش نام کتاب نازل شده بر پیامبر (ص) یعنی قرآن و نام سوره‌ها نیز مطرح نمود. لذا نام سوره‌ها می‌تواند حوزه‌ای برای تأویل متن آن باشد. اگر این را هم بپذیریم که بنیاد زبان بر اسم استوار است (آشوری، ۱۵) و بدانیم که «اسم» کوتاه شده متن است و اسم هر چیزی مناسبت بین آن و مسمای آن را آشکار می‌نماید و عنوان اجمالی است از تفصیل مطالب متنی» (بقاعی، ۱۸)، می‌توان نتیجه گرفت که عنوان هر سوره بیانگر مقصود و مراد آن است (همان). یا به این نظر قائل باشیم که رابطه عنوان با متن، رابطه تمرکز معنایی و رمزی است و عنوان، اهمیت مطالب متن را می‌رساند، می‌توان گفت عنوان سوره‌ها به نوعی بیانگر مطالب سوره است. از طرفی گزینش واژگانی خاص در نامگذاری سوره‌ها بنا به عادت عرب بوده است که «در بسیاری از نامگذاری‌ها، نام‌ها را از امور نادر و شگفت انتخاب می‌کرد. گاه نام برگرفته از صفتی خاص بود و گاه از یک جمله یا قصیده. این چنین است که نام‌های سوره‌های قرآن کریم مثل سوره بقره است چون ماجرای گاو بنی اسرائیل در آن آمده است» (زرکشی، ۳۶۸/۱).

از نمونه‌های معنادار می‌توان به سوره «دخان» اشاره کرد. واژه «دخان» تنها یک بار در آیه (فارتقب یوم تاتی السماء بدخان مبین) (دخان/۱۰) آمده است. این آیه در آیات آغازین سوره آمده است و سوره درباره نزول قرآن در شبی مبارک که حکیمانه نازل شده است، و در آن از عذاب دردناک خبر می‌دهد که آسمان در آن روز به صورت دودی آشکار در می‌آید. از مطالب این سوره از تاریخ اقدام گذشته و فرجام کار آنان سخن رفته است و از حقیقت بزرگی سخن می‌گوید که آفرینش آسمان‌ها و زمین، بیهوده نیست: (و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لاعین) (دخان/ ۳۸). آیه پایانی سوره چنین است: (فارتقب إنهم مرتقبون) (دخان/ ۵۹) که همان تهدید بیمناک است که در این جا همان چشم دوختن به دود شدن آسمان است. چنان که ملاحظه می‌شود، نام سوره که رمز روز آخرت و حسابرسی و عذاب است، مرکزیت گفتمان سوره است» (الحاج، ۲۱۵). نکته تأمل برانگیز اینکه واژه «دخان» فقط در دو آیه آمده است: یکی در سوره دخان که بحث آن گذشت و دیگری در سوره «فصلت» در آیه: (ثم استوی إلى السماء و هی دخان فقال لها و للأرض ائتیا طوعا أو کرها قالتا أتینا طائعين) (فصلت/ ۱۱). کلمه «دخان» در این جا به آغاز آفرینش اشاره دارد. این واژه در سوره «فصلت» نیز با معنای سوره ارتباط دارد. تفصیل در اینجا یعنی تعیین و تمیز و توضیح. به عبارت دیگر

حللی، عبدالرحمن، «المفاهیم و المصطلحات القرآنیة، مقاربة منهجية»، مجلة اسلامية المعرفة، شماره ۳۵، ۲۰۰۴.

الخولی، امین، مناهج تجدید، مجموعه آثار شماره ۱۱، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۵.
دایان مک دانل، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه حسین نودری، چاپ اول، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۸.

زرکشی، بدرالدین، البحر المحيط فی اصول الفقه، تحقیق عبدالقادر العانی و عمر سلیمان الاشقر، وزارة الاوقاف، دار الصفوة، کویت، ۱۹۹۲.

شحرور، محمد، الكتاب و القرآن: قراءة معاصرة، الطبعة الاولى، دار الأهالی، دمشق، ۱۹۹۰.
مفتاح، محمد، المفاهیم معالم: نحو تأویل واقعی، الدار البيضاء، المركز الثقافی العربی، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۹۹۹.

مفتاح، محمد، دینامیة النص، تنظیم و انجاز، الطبعة الثانية، الدار البيضاء، المركز الثقافی العربی، بیروت، ۱۹۹۰.

میلز، سارا، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، چاپ دوم، نشر هزاره ی سوم، ۱۳۸۸.
نصری، عبدالله، راز متن، چاپ اول، مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.
ویگوتسکی، لوسیمونوویچ، تفکر و زبان، ترجمه بهروز عزید فتری و بایرام صادقی، انتشارات نیما، ۱۳۶۷.

یورگنسن، ماریان، فیلیس، لوئیز، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول، نشر نی، تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی